

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه بیست و یکم)

مقدمه

ما جلسه‌ی قبل صحبت کردیم که امام صادق و یا دیگر معصومی که دعای ندبه از ایشان صادر شده است، زمانی که به ماجرای حضرت موسی می‌رسند با وجود معجزات فراوانی که ایشان دارند؛ اما به ماجرای وزیر قرار دادن برادر حضرت موسی برای ایشان می‌پردازند و همینطور که در جلسه‌ی قبل بیان شد به شباهت‌های امیرالمؤمنین و حضرت هارون پرداخته شد.

شب‌های انحراف

هارون در غیاب حضرت موسی در جریان ماجرای کوه طور جانشین او در میان مردم شده بود؛ اما یهودیان بعد از تأخیر حضرت موسی در بازگشت، تصور کردند که حضرت موسی از دنیا رفته است؛ چون ایشان گفته بود که من ۳۰ روزه باز خواهم گشت. در این جا بعد از ۳۰ روز، شب‌های دهگانه‌ی انحراف بنی‌اسرائیل آغاز شد و خود لفظ شب نیز در اینجا مهم است؛ همانگونه که خداوند می‌فرماید: «وَأَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...»؛ «و ما با موسی ۳۰ شب وعده قرار دادیم و ۱۰ شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه زمان وعده‌ی پروردگارش به ۴۰ شب تکمیل شد...» (اعراف / ۱۴۲)

خود لفظ شب، نماد نبود خورشید است

و در همین جا داریم که معصوم می‌فرماید: «والفجر مهدی است و لیال عشر من الحسن الی الحسن (امام حسن مجتبی تا امام حسن عسکری) و شفع (اشاره به امیرالمؤمنین و حضرت زهرا) می‌باشد.» (تأویل الآیات الظاهره، ص ۷۶۶)

پس از آن به خیمه‌ی هارون حمله کردند و همسر او را به سمتی دیگر انداخته و دستان هارون را نیز بستند. حضرت هارون پس از بازگشت حضرت موسی همچنان که در قرآن ذکر شده، گفت: «... قَالَ ابْنُ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي...»؛ «...هارون گفت: "ای فرزند مادرم،

این قوم مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل رسانند...» (اعراف / ۱۵۰)
حضرت هارون در واقع به حضرت موسی می‌فرماید که من به حرف تو عمل کردم که گفתי وحدت در قوم از بین نرود؛ یعنی من هم می‌توانستم شمشیر بکشم.

شریک در مأموریت

همانگونه که در جلسه‌ی قبل در مورد آن توضیح داده شد، تمام مناصب حضرت موسی برای برادرش حضرت هارون نیز بوده است و هرچه هارون می‌گفت باید بنی‌اسرائیل به آن عمل می‌کردند و حضرت موسی این منظور را با عبارت «خلیفه» می‌رساند و اعلام می‌کند. در حدیث منزلت نیز پیامبر اسلام خطاب به امیرالمؤمنین می‌فرماید: «تو هارون هستی برای من به جز اینکه "لا نبی بعدی"» (الکافی، ج ۸، ص ۱۰۷)

که این عبارت دو نکته دارد:

۱. اینکه بعد از من پیامبر نیستی؛
۲. اینکه بعد از من زنده خواهی بود؛ زیرا هارون قبل از حضرت موسی از دنیا رفت. همانگونه که هارون دومین شخص بعد از حضرت موسی در میان بنی‌اسرائیل بود،

امیرالمؤمنین نیز دومین شخص بعد از پیامبر به حساب می‌آیند؛

پس همانطور که هارون شریک حضرت موسی در امر رسالت بود،

امیرالمؤمنین هم در این مأموریت، شریک پیامبر هستند

و اینطور نیز می‌توان گفت که اصل کار نیز با توجه به سختی‌های بعد از پیامبر بر عهده‌ی حضرت علی بود.

عبارت «أخی»

هارون، برادر موسی بود و حضرت موسی او را با عنوان أخی خطاب می‌کرد؛ اما در مقابل، هارون، حضرت موسی را با عنوان پسرِ مادرم خطاب می‌کند و این نشان از اعجاز قرآن می‌باشد که همزمان به ماجرای هارون و حضرت علی اشاره می‌کند؛ زیرا همانگونه که در جلسه‌ی قبل به آن اشاره شد، پیامبر، فاطمه بنت‌اسد را مادر خود می‌دانست و او را أماه خطاب می‌کرد و همچنین در مقابل، همانند موسی که هارون را برادر خطاب می‌کند، پیامبر نیز امیرالمؤمنین را برادر (أخی) خطاب می‌کند.

حدیث مواخات

با توجه به ذکر کلمه‌ی اُخی، اگر بخواهیم در مورد این موضوع توضیحاتی دهیم باید بگوییم به تواتر در کتب شیعه و سنی به حدیث مواخات اشاره شده است که در مورد برادری مؤمنین می‌باشد؛ اما سابقه‌ی این مسئله به قبل از هجرت برمی‌گردد که عقد اُخوتی در مکه میان مسلمانانی که بعداً به عنوان مهاجرین شناخته شدند توسط پیامبر خوانده شد و بعد از آن در مرتبه‌ی بعدی، عقدی بعد از هجرت میان مهاجرین و انصار خوانده شد به این شکل که پیامبر میان هر یک از مهاجرین با یک نفر از انصار عقد اُخوت را جاری نمودند و همچنین یک اُخوت عمومی در سال نهم هجری صورت گرفت و آیه‌ای در این زمینه نازل شد که «**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...**»؛ «به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند...» (حجرات / ۱۰)

یعنی به نوعی پیامبر در این سال‌ها به مرور در این زمینه فرهنگ‌سازی نمودند و پیمان برادری میان مسلمانان جاری شد. همچنین بعد از نازل شدن این آیه، پیامبر میان کسانی که به هم شبیه بودند، مجدد صیغه‌ی برادری جاری نمودند؛ اما در مورد امیرالمؤمنین این مسئله مورد اجماع شیعه و سنی است که در هر کدام از دفعاتی که پیمان اُخوت میان مسلمانان جاری شد، پیامبر میان خود و حضرت علی این پیمان برادری را جاری نمودند و به حضرت علی فرمودند: «تو برادر من هستی، هم در این دنیا و هم در آخرت.» (سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۳۶)

برقراری عدالت اجتماعی

در واقع یکی از مهمترین دغدغه‌های پیامبر، برقراری عدالت اجتماعی میان همه‌ی مردم بود و لازمه‌ی شکل‌گیری چنین عدالتی از یک سو، نابودی تضاد طبقاتی و از سمت دیگر شکل‌گیری پیوندهای قلبی بین آحاد مردم بود و جالب است که بعدها در ماجرای سقیفه، کسانی که می‌خواستند حضرت علی را کنار بزنند از همین شکاف‌های اجتماعی که پیامبر در صدد برطرف کردن آنها بود، استفاده کردند؛ یعنی به عبارتی تمام تلاش‌های چند ساله‌ی پیامبر که برای تثبیت شدن، نیاز به زمان داشت با خانه‌نشین کردن حضرت علی شکل نگرفت و به همین دلیل است که حضرت علی در جریان ماجرای شورای ۶ نفره، می‌فرماید: «من براساس قرآن و سیره‌ی پیامبر عمل می‌کنم؛ اما نمی‌توانم دنباله‌روی سیره‌ی خلفای گذشته باشم؛ زیرا برخلاف سیره‌ی قرآن و پیامبر بوده است.» (شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۵)

حضرت موسی نیز زمانی که به کوه رفت به هارون می‌گوید: «**...وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ**»؛ «...و موسی به برادر خود هارون گفت: "تو اکنون

جانشین من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو راه اهل فساد مباش" «(اعراف / ۱۴۲)
و جالب است که جاهایی داریم که امیرالمؤمنین این آیه را می خوانده است و همچنین زمانی که
دست های ایشان را بسته بودند، امیرالمؤمنین این آیه را می خوانده است: «...قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ
اسْتَضَعَّفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي...»؛ «...هارون گفت: "ای فرزند مادرم، این قوم مرا خوار و زبون
داشتند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل رسانند..." «(اعراف / ۱۵۰)

در کل زمانی که به این بخش از دعای ندبه می رسیم و به این موضوع فکر می کنیم که پیامبر
حضرت علی را آخی خطاب می کنند و فقط با ایشان پیمان برادری می بندند، بیشتر به ظلمت
دشمنان ایشان پی می بریم که این افراد در مقابل حضرت علی ایستادند.

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه بیست و یکم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، آذر ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)